



Designing the Indigenous Knowledge Management Model of Qashqai Tribe

Behnaz Soleymani 

MSc, Department of Knowledge and Information Science, Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: behnaz_soleymani@modares.ac.ir

Mohammad Hasanzadeh 

*Corresponding author, Professor, Department of Knowledge and Information Science, Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: hasanzadeh@modares.ac.ir

Abstract

Objective: The purpose of this study was to design a comprehensive and applicable model for managing the indigenous knowledge of the Qashqai tribe. This model seeks to preserve, systematize, and facilitate the intergenerational transfer of the cultural, social, economic, and ecological heritage embedded in the tribe's long-standing traditions. Given the increasing risk of knowledge loss due to modernization, urban migration, and demographic changes, the development of such a model is essential for safeguarding the intellectual and cultural assets of this significant Iranian nomadic tribe. The study aimed not only to document key domains of indigenous knowledge but also to provide a structured framework that supports sustainable development, cultural continuity, and informed decision-making at local and regional levels.

Methodology: This research employed a mixed-method approach, with the qualitative phase forming the core of the study. Data were collected through in-depth interviews with experienced elders and knowledgeable individuals, field observations during tribal activities, narrative writing, and review of historical and ethnographic documents. The qualitative data were analyzed using the thematic analysis method supported by MAXQDA software, which enabled systematic coding and extraction of key concepts. In the quantitative phase, SPSS26 software was used to analyze the data through a single-sample T-test with an assumed value of 3, allowing the validation of identified components and processes from the perspective of experts in knowledge management and indigenous studies.

Findings: Findings from the analysis revealed eleven main domains that constitute the core of Qashqai indigenous knowledge: agriculture and animal husbandry, traditional foods, traditional medicine, handicrafts, language and literature, music and dance, beliefs and religion, traditional clothing, traditional games and sports, migration patterns, and housing forms. Additionally, the

study identified seven essential processes for effective indigenous knowledge management in the Qashqai context: identifying knowledge, recognizing and categorizing knowledge, acquiring knowledge, organizing and documenting knowledge, creating and enriching knowledge, disseminating knowledge, and generating value from knowledge through cultural, social, and economic applications. These processes form the backbone of the proposed model.

Conclusion: The final model provides a holistic and operational framework that encompasses all stages—from the discovery of indigenous knowledge to its practical application. This model can serve as a basis for establishing digital repositories, cultural knowledge centers, community training programs, or policymaking initiatives dedicated to preserving Qashqai heritage. The study underscores that systematic management of indigenous knowledge not only protects cultural identity but also strengthens social cohesion, supports sustainable livelihoods, and contributes meaningfully to community empowerment and long-term cultural resilience.

Keywords: Qashqai tribe, Indigenous Knowledge, Knowledge Management Model

Article type: Research

How to cite:

Soleymani, B., & Hasanzadeh, M. (2025). Designing the Indigenous Knowledge Management Model of Qashqai Tribe. *Library and Information Sciences*, 28(4), 101-120.

ARTICLE INFO

Article history:

Received: 25/11/2025

Received in revised form: 13/12/2025

Accepted: 15/12/2025

Available online: 19/09/2026

Publisher: Central Library of Astan Quds Razavi
Library and Information Sciences, 2025, Vol. 28, No.4, pp. 101-120.

© The author(s)



طراحی مدل مدیریت دانش بومی ایل قشقایی

بهناز سلیمانی 

کارشناس ارشد، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: behnaz_soleymani@modares.ac.ir

محمد حسن‌زاده 

*نویسنده مسئول، استاد، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: hasanzadeh@modares.ac.ir

چکیده

هدف: هدف این پژوهش طراحی مدلی برای مدیریت دانش ایل قشقایی بود که از طریق آن دانش بومی و میراث فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این ایل بزرگ حفظ، سامان‌دهی و به نسل‌های آینده منتقل شود.

روش پژوهش: این مطالعه با رویکرد کیفی انجام شد و داده‌ها از طریق مصاحبه، مشاهده میدانی، روایت‌نگاری و بررسی اسناد گردآوری شدند. مشارکت‌کنندگان شامل افراد باتجربه ایل بودند. تحلیل داده‌های کیفی با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا و روش تحلیل مضمون انجام شد. داده‌های بخش کمی با نرم‌افزار اسپاس ۲۶ و آزمون تی تک‌نمونه‌ای با مقدار مفروض ۳ تحلیل شد.

یافته‌ها: طبق نتایج مصاحبه‌ها حوزه‌های کلیدی دانش بومی ایل قشقایی عبارتند از: کشاورزی و دامداری، غذاهای سنتی، پزشکی سنتی، صنایع دستی، زبان و ادبیات، موسیقی و رقص، مذهب، پوشاک سنتی، بازی‌ها و کوچ و مسکن. برای مدیریت دانش ایل قشقایی هفت فرآیند کلیدی شامل چپستی دانش، شناخت دانش، کسب دانش، سازماندهی دانش، خلق دانش، اشاعه دانش و ارزش‌آفرینی از دانش است.

نتیجه‌گیری: مدل ارائه‌شده تمام مراحل مربوط به شناسایی تا استفاده از دانش بومی را پوشش می‌دهد و می‌تواند پایه‌ای برای ایجاد سامانه‌های دیجیتال یا مرکزی جهت حفاظت از این میراث باشد. این پژوهش تأکید می‌کند که حفظ دانش بومی ابزار ارزشمندی برای پایداری فرهنگی و توسعه جامعه است.

کلیدواژه‌ها: ایل قشقایی، دانش بومی، مدل مدیریت دانش

نوع مقاله: پژوهشی

استناد:

سلیمانی، بهناز؛ حسن‌زاده، محمد (۱۴۰۴). طراحی مدل مدیریت دانش بومی ایل قشقایی. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۲۸ (۴)، ۱۰۱-۱۲۰.

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۴ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۲۸

ناشر: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۴۰۴، دوره ۲۸، شماره ۴، شماره پیاپی ۱۱۲، صص. ۱۰۱-۱۲۰.

© نویسندگان



مقدمه

دانش بومی^۱ به عنوان بخشی اساسی از میراث فرهنگی و هویت جوامع بشری، محصول تجربه‌های زیسته، تعاملات اجتماعی و چارچوب‌های فرهنگی حاکم بر زندگی مردم است که در گذر زمان تکامل یافته است. این دانش که غالباً از طریق مشاهده، تجربه عملی و انتقال شفاهی میان نسل‌ها منتقل شده، در زمینه‌هایی نظیر کشاورزی، دامداری، تغذیه، بهداشت، آموزش، صنایع دستی، طب سنتی، مدیریت منابع طبیعی و سایر جنبه‌های زندگی اجتماعی نمود پیدا می‌کند (توفیق‌یان اصل، ۱۴۰۰).

با وجود این، اهمیت بسیاری از جوامع انسانی به ویژه در کشورهایی که با تغییرات سریع اجتماعی مواجه‌اند با چالشی جدی در تداوم و ماندگاری این میراث ناملموس روبه‌رو هستند. وابستگی این دانش به انتقال غیررسمی، مهاجرت، تغییر سبک زندگی و فاصله گرفتن جوانان از سنت‌های محلی، حفظ و انتقال این ذخایر فرهنگی را دشوار کرده است.

از دست رفتن دانش بومی تنها به معنی حذف بخشی از گذشته فرهنگی نیست؛ بلکه بیانگر نابودی مجموعه‌ای از راهکارهای اثبات شده برای حل چالش‌های زیست‌محیطی، معیشتی و اجتماعی است که طی سال‌ها در بستر اکوسیستم‌های متنوع پدید آمده‌اند. بنابراین، شناخت، حفظ و مدیریت نظام‌مند دانش بومی ضرورتی است که هم جنبه‌های فرهنگی و هم مسائل توسعه‌ای را در بر می‌گیرد.

ایران به واسطه غنای قومی و فرهنگی خود یکی از برجسته‌ترین منابع دانش بومی جهان را داراست. در این میان، ایل قشقایی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و تاریخی‌ترین جوامع عشایری کشور، ذخایر دانشی گسترده‌ای را در حوزه‌هایی مانند کشاورزی، دامداری، صنایع دستی، موسیقی و ادبیات شفاهی، طب سنتی، آداب اجتماعی و مدیریت محیط‌زیست در اختیار دارد. زندگی مبتنی بر کوچ‌نشینی و ارتباط نزدیک با طبیعت باعث شده است که اندوخته دانش قشقایی‌ها در بستر تجربیات عملی شکل بگیرد و نسل به نسل ارتقا یابد. با این حال، تغییرات اجتماعی طی دهه‌های اخیر مانند کاهش کوچ‌نشینی، افزایش شهرنشینی، کاهش تولید صنایع دستی سنتی و فاصله گرفتن نسل جدید از مشاغل سنتی، روند انتقال دانش بومی را مختل کرده است.

امروزه بخش قابل توجهی از این دانش تنها در حافظه سالخوردگان ایل باقی مانده است. نبود ساختارهای رسمی برای ثبت، سازمان‌دهی و انتقال این دانش نیز خطر نابودی آن را دوچندان کرده و فرصت استفاده از پتانسیل‌های فرهنگی و اقتصادی آن محدود شده است.

هرچند تاکنون پژوهش‌های متعددی روی جنبه‌های مختلف فرهنگی، مردم‌شناختی، زبانی و هنری ایل قشقایی انجام شده است، اما غالب این پژوهش‌ها ماهیتی توصیفی داشته و نبود چارچوب یکپارچه‌ای برای مدیریت دانش بومی احساس می‌شود. اطلاعات موجود اغلب پراکنده‌اند و فرایند شناسایی، طبقه‌بندی، مستندسازی و ذخیره آن به شکلی نظام‌مند صورت نگرفته است. در چنین شرایطی، بهره‌گیری از رویکردهای مدیریت دانش، به ویژه مدل‌هایی که بر تبدیل دانش ضمنی به دانش صریح و تسهیل انتقال آن تمرکز دارند، می‌تواند ابزاری مؤثر برای حفاظت و بهره‌برداری از این میراث بومی باشد.

این مسئله علمی و فرهنگی پرسش اصلی پژوهش حاضر را پررنگ می‌کند: چگونه می‌توان مدلی جامع طراحی کرد که ضمن شناسایی ابعاد مختلف دانش بومی ایل قشقایی، آن را به شیوه‌ای نظام‌مند مستندسازی کرده و برای انتقال پایدار آماده سازد؟ این پژوهش با هدف طراحی مدلی برای مدیریت دانش بومی ایل قشقایی انجام شده است؛ مدلی که بتواند دانش پراکنده و عمدتاً شفاهی این جامعه را شناسایی کرده، سازمان‌دهی نموده و به شکل منسجم منتقل کند. همچنین، این مدل بستری ایجاد خواهد کرد تا ظرفیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این دانش برای ارتقای توسعه محلی به کار گرفته شود. افزون بر این، مدل پیشنهادی می‌تواند به عنوان الگویی برای حفاظت از دانش بومی در سایر جوامع محلی ایران عمل کند و زمینه‌ای برای توسعه سامانه‌های دیجیتال و راهکارهای نوآورانه برای پایداری میراث فرهنگی فراهم آورد.

پرسش‌های پژوهش

پرسش اول: حوزه‌های دانش بومی در ایل قشقایی شامل چه مواردی است؟

پرسش دوم: دسته‌بندی حوزه‌های دانش بومی ایل قشقایی چگونه است؟

پرسش سوم: ارتباط بین حوزه‌های دانش بومی ایل قشقایی چگونه است؟

پرسش چهارم: مؤلفه‌های مدیریت دانش بومی ایل قشقایی شامل چه مواردی است؟

پرسش پنجم: مدل مدیریت دانش بومی ایل قشقایی چگونه است؟

پیشینه پژوهش

پیشینه داخلی

شریفی‌فر، کوهپایه، متقی، امیرخسروی و پورمحسنی‌نسب (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی اتنوبوتانی گیاهان دارویی شهرستان سیرجان استان کرمان»، از نخستین کسانی بودند که مستندسازی دانش بومی را در یک منطقه خاص (شهرستان سیرجان) انجام دادند. در این پژوهش منطقه مورد بررسی به بخش‌های مختلف تقسیم شده و با استفاده از پرسشنامه، دانش افراد بومی منطقه در مورد گیاهان دارویی جمع‌آوری شده است.

در نهایت ۷۹ گونه گیاه دارویی از مناطق مختلف سیرجان جمع‌آوری شده و بعد از شناسایی نمونه‌ها اطلاعات مربوط به هر یک از این گیاهان، به ثبت رسیده است. در پایان نتایج قابل توجهی در زمینه دانش بومیان این منطقه در استفاده از گیاهان دارویی به دست آمده است، پس تمرکز این پژوهش در بعد طب بومی بوده است. حیدری و سعیدی گراغانی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی دانش بومی خبرگان عشایر نیمه کوچنده البرز شمالی (مطالعه موردی: مراتع ییلاقی دامنه جنوبی کوه دماوند)»، ضمن معرفی سیستم‌های بومی مدیریت سامان‌های عرفی توسط عشایر نیمه کوچنده مراتع ییلاقی دامنه جنوبی کوه دماوند به نقش شناخت و استفاده از آن در طرح‌های بهسازی و احیا مراتع و بهبود وضعیت و شرایط اقتصادی و اجتماعی بهره‌برداران پرداخته است. روش این پژوهش کیفی و جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان داده است بهره‌برداران مراتع به راحتی می‌توانند مرزهای سامان‌های عرفی، تقسیم مکانی توزیع دام، تنظیم اندازه گله یا مکان‌های تأمین آب شرب گله، مسیر حرکت گله، بهترین نقاط چراگاه و استراحت گله را به خوبی تشخیص دهند.

بوزر جمهری، جشنی و جهانتیغ (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش دانش بومی و سنت‌های محلی زنان در تولید و مدیریت فرآورده‌های دامی (مطالعه موردی: روستای ابونصر، شهرستان بوانات)»، که با روش پیمایشی انجام شده است و برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های کیفی مانند مشاهده مستقیم، مشاهده مشارکتی و مصاحبه استفاده شده است. هدف این پژوهش شناخت دانش بومی زنان روستایی ابونصر در تولید و مدیریت فرآورده‌های دامی در شهرستان بوانات بوده است. نتایج این پژوهش حاکی از وجود دانش بومی و سنت‌های محلی در بین زنان روستای منطقه است که ناشی از وجود نظام سنتی شیردوشی و مکانیسم مدیریت شیر و فرآورده‌های لبنی بوده است. این نظام سنتی علاوه بر ایجاد تسهیلات در فرایند تولید و مدیریت فرآورده‌های لبنی، در افزایش کیفی و کمی تولیدات دامی نیز تأثیر داشته است.

دهواری، ریاحی نیا و محمودی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «شناسایی مؤلفه‌های دانش بومی و ارائه الگوی مدیریت دانش طب بومی در منطقه مکران»، برای مدیریت و شناسایی مؤلفه‌های دانش بومی در منطقه مکران با تأکید بر طب بومی، الگویی ارائه داده است. جامعه آماری، کارشناسان و صاحب‌نظران آشنا با دانش بومی منطقه مکران بوده است. در نهایت ۴۲ کد اولیه مرتبط با مؤلفه‌های مدل مدیریت دانش طب بومی نیز در قالب ۱۴ مقوله فرعی و ۵ مقوله اصلی تولید دانش، کسب دانش، توسعه و تسهیم دانش، انتقال دانش و ثبت و ضبط دانش قرار گرفته‌اند که ابعاد الگوی مدیریت دانش طب بومی منطقه مکران را نشان می‌دهند. در نهایت با توجه به ظرفیت بالای منطقه مکران در حوزه دانش طب بومی، این پژوهش به مدیریت کارآمدتر این دانش کمک کرده است.

مجرد آشناباد، سنبل و محبی (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «اتنوبوتانی گیاهان خوراکی مورد استفاده جوامع محلی شهرستان خوی»، با هدف بررسی جنبه‌های اتنوبوتانیکی گیاهان خوراکی منطقه خوی که از مناطق برجسته در این حوزه به شمار می‌رود، انجام شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها، از روش‌های مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، مشاهدات مشارکتی و همچنین مشاهدات میدانی استفاده است. نتایج بررسی نشان داده است که گونه‌های گیاهی کنگر و پیچک به ترتیب به عنوان مهمترین گیاهان خوراکی این منطقه شناخته می‌شوند. و با توجه به ملاحظات زیست محیطی، می‌توان به رونق کسب‌وکارهای محلی و ترویج تغذیه جایگزین امیدوار بود.

زارعی، سارلی و تودار (۱۴۰۴) با هدف شناسایی مؤلفه‌های رفتار اطلاع‌جویی مشارکتی پژوهشگران پژوهشی را با عنوان «شناسایی مؤلفه‌های رفتار اطلاع‌جویی مشارکتی پژوهشگران در خصوص دانش بومی (مطالعه موردی: منطقه ترکمن صحرا)» انجام داده‌اند. این پژوهش کیفی و بر مبنای تحلیل مضمون بوده است. جامعه آماری آن صاحب‌نظران آشنا با دانش بومی و رفتار اطلاع‌جویی مشارکتی بوده و برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان داده که فرهنگ، سنت‌ها، تنوع قومی و زبانی، دسترسی محدود به منابع اطلاعاتی، ارزش‌گذاری به دانش بومی و تمایل به همکاری با جوامع محلی، همگی به عنوان عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر عمل کرده‌اند. همچنین، این پژوهش ضرورت وجود راهبردهای مؤثر برای استفاده و حفاظت از این دانش را مورد تأکید قرار می‌دهد.

پیشینه خارجی

آکولو (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان «دانش بومی در کشاورزی: مطالعه موردی چالش‌های به اشتراک‌گذاری دانش نسل‌های گذشته در زمینه جهانی شده در اوگاندا»، شیوه‌های کشاورزی بومی با استفاده از دانش محلی را مورد بررسی قرار داده است. چالش‌های این مطالعه عبارت‌اند از: ادغام پژوهش‌های مرسوم با دانش بومی، ذخیره‌سازی و به اشتراک‌گذاری انتخابی دانش توسط کشاورزان. این مطالعه نشان داده است دانش بومی توسط همه کشاورزان به کار برده می‌شود، به‌آسانی در دسترس است و به دلیل مکانیسم انتشار، انسجام اجتماعی را ارتقا می‌دهد و همچنین ناکارآمدی برخی از روش‌های دانش بومی را نشان داده است. این مطالعه به این نتیجه رسیده است که دانش بومی و شیوه‌های آن مفید هستند و باید با دستور کار پژوهشی معاصر ادغام شوند تا کشاورزان را قادر به رقابت و پاسخگویی به فرصت‌ها و چالش‌های جهانی کنند.

یئو، زمان و کولاثورامایر^۲ (۲۰۱۳) پژوهشی با عنوان «مدیریت دانش بومی در جامعه کلابیت در شرق مالزی: بینش و بازتاب برای طراحی مدیریت دانش معاصر» را در جامعه کلابیت و باریو انجام دادند. روش گردآوری داده‌ها، پرسشنامه و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. یافته‌های مطالعه استدلال می‌کند که جوامع بومی فرآیندهای ذخیره‌سازی، بهره‌برداری، اشتراک‌گذاری و به کارگیری دانش را اعمال می‌کنند. این فرآیندها ترکیبی از دانش و روش‌هایی است که از طریق آن دانش، فعالیت‌های روزمره زندگی آن‌ها انجام می‌شود. در این پژوهش همچنین به این نکته اشاره شده است که برخلاف ساختارهای مدیریت دانش سازمان که در آن فناوری و پایگاه‌های اطلاعاتی بخش‌های اساسی سیستم هستند، دانش بومی در حافظه، ادبیات شفاهی، هوش جمعی و فعالیت‌های جامعه جای دارند.

دلامینی^۳ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «به کارگیری مدل ایجاد دانش در مدیریت پژوهش دانش بومی»، به بررسی امکان به کارگیری مدل خلق دانش در مدیریت دانش بومی پرداخته است. هدف این پژوهش بررسی امکان استفاده از مدل‌های مدیریت دانش مانند نظریه خلق دانش در مدیریت دانش بومی است. این پژوهش به روش مروری انجام شده و به شناسایی مدل‌های مدیریت دانش به ویژه مدل خلق دانش پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داده است که برخلاف انتقاداتی که به مدل خلق دانش وارد شده است، این مدل از طریق چهار شیوه خلق دانش یعنی جامعه‌پذیری، استخراج، ترکیب و درونی‌سازی امکان برقراری رابطه بین دانش ضمنی و عینی را دارد. همان‌طور که از این مدل می‌توان برای مدیریت دانش کلان در جامعه و سازمان‌ها استفاده کرد، می‌توان از آن برای مدیریت دانش بومی نیز استفاده کرد.

چانتمول، سوتیسا، گاتوونگسا، جانسانگ، راوارین و داوویسان^۴ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «ترویج منسوجات سنتی ایکات: دیدگاه‌های قوم‌نگاری درباره دانش بومی، حفظ میراث فرهنگی و هویت قومی»، به بررسی چگونگی تأثیر دانش بومی، حفظ میراث فرهنگی و هویت قومی بر تولید منسوجات سنتی ایکات پرداخته است. این پژوهش با روش تحقیق کیفی با نمونه‌گیری هدفمند برای انجام مصاحبه قوم‌نگاری عمیق انجام شده است. این مطالعه نشان داده است که رنگرزی طبیعی، صنایع دستی سنتی، مواد، طرح‌ها و نقوش در بافت نساجی ایکات استفاده می‌شود. نتایج نشان داده است که دانش بومی، حفظ میراث فرهنگی و هویت قومی با منسوجات سنتی ایکات مرتبط است.

2. Yeo, Zaman & Kulathuramaiyer

3. Dlamini

4. Chantamool, Suttisa, Gatewongsa, Jansaeng, Rawarin & Daovisan

اوسی جونز (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «شیوه‌های مدیریت دانش بومی در کشاورزی معیشتی: یک ارزیابی جامع» که با رویکرد توصیفی پیمایشی انجام شده است، سطوحی که کشاورزان سیب زمینی، معیشت دارند را ارزیابی کرده است. یافته‌های پژوهش به این صورت است که سطح فرآیند مدیریت دانش بومی از نظر تبدیل، توزیع، اکتساب، کاربرد و حفاظت و سطح زیرساخت مدیریت دانش بومی از نظر فرهنگ، ساختار و فناوری در میان کشاورزان در حد متوسط بوده است. به طور کلی، این مطالعه بر اهمیت استفاده، مستندسازی و استفاده مجدد از استراتژی‌های مدیریت دانش بومی تأکید می‌کند. همچنین، توصیه می‌کند برنامه‌های آموزشی و ظرفیت‌سازی در مورد راهکارهای مؤثر مدیریت دانش به کشاورزان ارائه شود. در ادامه تأکید می‌کند که کشاورزان مسن‌تر به آموزش و انتقال دانش بومی خود به نسل‌های جوان‌تر بپردازند تا از تداوم شیوه‌های سنتی ارزشمند اطمینان حاصل شود.

سیاکوا، آبلو، شبوراه اسین، زامی و یارو (۲۰۲۵) در پژوهشی «انطباق با تغییرات اقلیمی در میان گسترش نوآوری و کاهش دانش و شیوه‌های کشاورزی بومی در غنا» را بررسی کرده است که چگونه کشاورزان با تغییرات اقلیمی از طریق انتشار نوآوری‌ها سازگار می‌شوند. در این پژوهش داده‌ها از طریق مصاحبه و نظرسنجی جمع‌آوری شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در کنار استفاده از روش‌های سنتی، مانند: کشت محصولات مقاوم به خشکی، برخی کشاورزان با تکیه بر دانش و منابع موجود، فناوری‌ها و روش‌های مدرن را برای افزایش بهره‌وری تلفیق می‌کنند. همچنین، سیستم‌های دانش سنتی بین کشاورزان جوان‌تر و تحصیل کرده کمتر مورد استقبال قرار می‌گیرد؛ در حالی که کشاورزان مسن‌تر همچنان تلاش می‌کنند میان پایداری روش‌ها و پذیرش فناوری‌های جدید تعادل برقرار کنند.

استنتاج از پیشینه

مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات در حوزه دانش بومی بر مستندسازی دانش محلی و با رویکرد کیفی، مانند مصاحبه و مشاهده مشارکتی، متمرکز بوده‌اند. این پژوهش‌ها سهم مهمی در حفظ میراث فرهنگی داشته‌اند، اما غالباً توصیفی و محدود به یک بعد از دانش بومی بوده‌اند و از رویکردهای تلفیقی و میان‌رشته‌ای غفلت کرده‌اند. برای مثال، پژوهش (شریفی‌فر و دیگران، ۱۳۸۹؛ مجرد آشناآباد، ۱۴۰۳) در حوزه طب بومی بوده است و در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی نیز پژوهش‌های محدودی انجام شده است (زارعی و دیگران، ۱۴۰۴). دو ضعف اصلی پژوهش‌های پیشین عبارت‌اند از: فقدان رویکرد سیستمی و چارچوب نظری یکپارچه و عدم بهره‌گیری از مدل‌های شناخته‌شده مدیریت دانش برای طراحی و انتقال دانش.

پژوهش حاضر با ترکیب مدیریت دانش بومی و بستر فرهنگی ایل قشقایی، رویکردی جامع ارائه می‌دهد که شکاف میان نظریه‌های مدیریت دانش و مصادیق دانش بومی را پر کرده و نخستین تلاش نظام‌مند در طراحی مدل مدیریت دانش بومی برای یک قوم ایرانی به شمار می‌رود.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به هدف پژوهش، یعنی طراحی مدل مدیریت دانش بومی ایل قشقایی، این مطالعه از نوع کاربردی و با رویکرد آمیخته (کیفی-کمی) انجام شد. بخش کیفی پژوهش با روش قوم‌نگاری صورت گرفت. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، مشاهده میدانی و بررسی اسناد جمع‌آوری شد. بخش کمی پژوهش برای اعتبارسنجی مدل با استفاده از پرسشنامه الکترونیکی و روش پیمایشی انجام شد. پرسشنامه‌ها به ۵۴ متخصص مدیریت دانش ارسال شد که ۳۲ پاسخ دریافت و بازخوردها در اصلاح و نهایی‌سازی مدل لحاظ گردید.

جامعه آماری بخش کیفی شامل ۱۲ نفر از خبرگان و ریش‌سفیدان ایل قشقایی با تجربه در حوزه‌هایی همچون دامداری، صنایع دستی، پزشکی سنتی و فعالان فرهنگی بود. نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی به گونه‌ای انجام شد که اشباع نظری حاصل شود. در بخش کمی، خبرگان مدیریت دانش با سابقه علمی یا اجرایی مرتبط، آشنا با مدل‌های مدیریت دانش انتخاب شدند. تحلیل داده‌های کیفی با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا و روش تحلیل مضمون انجام شد. فرآیند تحلیل شامل توصیف داده‌ها، کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی بود تا مفاهیم اصلی و روابط میان آن‌ها استخراج و ساختار مفهومی مدل شکل گیرد. همچنین، برای غنا بخشیدن به مدل، از چارچوب و مدل‌های مدیریت دانش الهام گرفته شده است.

روایی و پایایی داده‌ها نیز از طریق ثبت مستند مراحل پژوهش، بررسی تکرارپذیری مفاهیم و بازخورد مشارکت‌کنندگان تأیید شد.

یافته‌های پژوهش

دانش بومی ایل قشقایی شناسایی و مدل مدیریت آن بر اساس داده‌های میدانی و مصاحبه‌ها تدوین شد. این مدل چرخه دانش را که شامل شناسایی، کسب، ذخیره‌سازی، اشتراک‌گذاری و کاربرد است، پوشش می‌دهد. در ادامه پاسخ هر کدام از پرسش‌های پژوهش در ۵ بخش، تشریح شده است:

۱. حوزه‌های دانش بومی در ایل قشقایی

در جدول (۱) کدها و مفاهیمی که از مصاحبه‌ها استخراج شده‌اند، به منظور پاسخگویی پرسش اول پژوهش

آمده است:

جدول ۱. حوزه‌های دانش بومی ایل قشقایی

شماره مصاحبه	پاسخ‌های ارائه‌شده توسط مصاحبه‌شوندگان	کدهای باز استخراج شده
۱ مصاحبه‌شونده	دانش بومی مثل <u>قالی بافی</u> و <u>گبه</u> که از نسل گذشته سینه به سینه به نسل بعد منتقل شده است. <u>لبنیات</u> و این که چگونه درست می‌شود. <u>موسیقی قشقایی</u> که قدمت دیرینه و ریشه در فرهنگ دارد. شغل اصلی عشایر دامداری است. نحوه <u>پشم‌چینی</u> و <u>شیردوشی</u> از مهارت‌های مهم این حوزه بود. تعدادی از افراد به <u>کشاورزی</u> و <u>باغداری</u> می‌پردازند. <u>طب سنتی</u> و اطلاعات مربوط به گیاهان دارویی از دیرباز بسیار اهمیت داشته است. در گذشته <u>تیراندازی</u> و <u>اسب‌سواری</u> از مهارت‌های اجباری بود که باید کسب می‌شد. <u>زبان ترکی قشقایی</u> که از مهمترین مواردی است که باید حفظ شود.	۱. قالی‌بافی و گبه ۲. لبنیات ۳. موسیقی ۴. دامداری ۵. پشم‌چینی ۶. شیردوشی ۷. کشاورزی ۸. باغداری ۹. طب سنتی ۱۰. تیراندازی ۱۱. اسب‌سواری ۱۲. زبان
۲ مصاحبه‌شونده	شعرهایی که برخی چاپ شده و برخی نشده‌اند. از قدیم شعر و آسانک ^۱ وجود داشته‌اند. مامایی و گیاه‌شناسی و <u>طب سنتی</u> که در قدیم وجود داشته است. <u>موسیقی قشقایی</u> و <u>رقص</u> که از زمان قدیم بوده است. زنان <u>سیاه چادر</u> می‌بافتند. نسل قدیم <u>شکار</u> می‌کردند که الان دیگر برچیده شده است. <u>رنگرزی</u> در قشقایی و اسامی آن‌ها، این که از هر ماده‌ای چه رنگی استخراج می‌شود و مقدار حلال در آن‌ها یک صنعت بسیار مهم هست که بیشتر آن‌ها مستند نشده است.	۱. شعر و آسانک ۲. طب سنتی ۳. موسیقی و رقص ۴. صنایع دستی ۵. شکار ۶. رنگرزی
۳ مصاحبه‌شونده	ما دانش بومی در زمینه صنایع دستی، آموزش الفبا و زبان ترکی، موسیقی سنتی که چهار گروه عاشیق، دارغا، چنگی و مردم عادی داریم. در مورد داستان‌ها، قصه‌ها و متل‌ها، آتالار سوزو (ضرب‌المثل)، آسانک‌های قشقایی و قالب‌های شعری، دامداری، پشم‌چینی و مرتع‌داری، کوچ، رنگرزی، نقاشی، موسیقی کار یا اشعار محیط کار که موقع قالی‌بافی و موقع کار می‌خواندند. لباس و پوشش قشقایی که منحصر به فرد است.	۱. صنایع دستی ۲. الفبا و زبان ترکی ۳. موسیقی سنتی و انواع رقص ۴. داستان، قصه، شعر و آسانک، ۵. ضرب‌المثل ۶. دامداری ۷. پشم‌چینی ۸. مرتع‌داری ۹. کوچ ۱۰. رنگرزی ۱۱. نقاشی ۱۲. لباس قشقایی

۱. آسانک‌ها، نوعی شعر سنتی و فولکلوریک در فرهنگ قشقایی‌ها هستند.

شماره مصاحبه	پاسخ‌های ارائه‌شده توسط مصاحبه‌شوندگان	کدهای باز استخراج شده
مصاحبه‌شونده ۴	موارد زیادی وجود دارد مثل زبان، محصولات دامی، غذاهای بومی، در نوع فرآوری محصولات ممکن است تفاوت‌ها وجود داشته باشد. بافت‌های قشقایی که شامل گلیم و قالی قشقایی است. لباسی که به اسم قشقایی ثبت ملی شده است. زیورآلات مثل مهلو و میخک که بر روی لباس قشقایی استفاده می‌شود و اشرفی که یک یا چند سکه بوده که در گذشته بر روی سر آویخته می‌شده است.	۱. زبان ۲. محصولات دامی ۳. غذاهای بومی ۴. لباس قشقایی ۵. زیورآلات
مصاحبه‌شونده ۵	محصولاتی که حاصل تجربیات خود افراد هستند مانند محصولات دامی. دانش در مورد منابع طبیعی مانند شناخت گیاهان دارویی و خوراکی. صنایع دستی، طب سنتی که مبتنی بر طب گیاهی است و حکیمانی هم داشته‌اند. داستان‌ها و افسانه‌هایی داریم که بیان شده و برخی نوشته شده‌اند. انواع بازی‌های محلی ما داشته‌ایم. برای انتقال همه این‌ها اگر از زبان خودمان استفاده کنیم شیرینی زبان باعث می‌شود آن‌ها نهادینه شوند مثل ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها. مقوله شکار بوده است که الان به دلیل مسائل محیط زیست دیگر مطرح نیست. اسب‌سواری یک زمانی به عنوان یک شاخص مهم برای فرهنگ قشقایی بود.	۱. محصولات دامی ۲. گیاهان دارویی و خوراکی ۳. صنایع دستی ۴. طب سنتی ۵. داستان، افسانه‌ها ۶. بازی ۷. زبان ۸. ضرب‌المثل و چیستان‌ها ۹. شکار ۱۰. اسب‌سواری
مصاحبه‌شونده ۶	در زمان گذشته، جنبه سیاسی چارچوب اداره ایل و نظام اجتماعی آن یک دانش بومی است. مدیریت فصل کوچ و مدیریت مراتع که بداند چه زمانی باید کوچ کنند. موسیقی بومی که آقای گرگین‌پور از اجراکننده‌هایش بود. صنایع دستی که شامل گلیم، قالی، جاجیم هست و نقش‌های خاص دارند. دانش بومی می‌تواند طب سنتی باشد که کتاب‌هایی هم در مورد آن نوشته شده است. آشپزی ایلی که یک حوزه بومی است. دامپروری که شامل دام، اسب و شتر بود که نگهداری هر کدام برای طایفه‌ای مخصوص بود و هر کدام آداب و رسوم و روش خاصی برای نگهداری آن داشتند. لباس قشقایی که مخصوص خود قشقایی است. آسانک‌ها که در چندین جلد کتاب هم مکتوب شدند.	۱. نظام اجتماعی ۲. مدیریت کوچ ۳. مدیریت مراتع ۴. موسیقی ۵. صنایع دستی ۶. طب سنتی ۷. غذاهای سنتی ۸. دامپروری ۹. لباس قشقایی ۱۰. آسانک
مصاحبه‌شونده ۷	وقتی بچه‌ای به دنیا می‌آید به آن آب بال یک نوع حشره می‌دادند برای این که در امان بماند از خطر ابتلا به مریضی که آن حشره منتقل می‌کند یا خال کوبی‌ها که برای درد یک ناحیه داشته‌اند انجام می‌شده است. زبان ترکی قشقایی که منحصرأ برای ایل است اهمیت زیادی دارد و در مورد آن فیلم‌ها، کتاب‌ها، صداها و محتوای رادیویی موجود است. ادبیات و شعر که برخی مکتوب شده‌اند و پژوهش‌هایی هم انجام شده است.	۱. طب سنتی ۲. زبان ترکی ۳. ادبیات و شعر
مصاحبه‌شونده ۸	داستان‌ها و قصه‌های قشقایی که برخی را مکتوب کرده‌ام در یک کتاب موجود است اما داستان‌ها به دلیل شفاهی بودن پراکنده هستند. ما در حوزه ملی، در موسیقی قشقایی و در لالایی‌ها معروف هستیم و بهترین لالایی‌ها برای قشقایی‌هاست. ما در حوزه دست‌بافت معروف بودیم از قدیم و کیخاها خودشان افرادی	۱. داستان‌ها و قصه‌ها ۲. موسیقی ۳. لالایی ۴. صنایع دستی

شماره مصاحبه	پاسخ‌های ارائه‌شده توسط مصاحبه‌شوندگان	کدهای باز استخراج شده
	را به خدمت می‌گرفتند برای بافت قالی و گلیم‌بافی و برای هدیه به دیگران استفاده می‌کردند. برخی مسائل و آداب و رسوم مثل عروسی بر اساس مشاهده قابل فهم و درک است. اسب‌سواری داشتیم که الان نداریم. غذاهای محلی مثل ماسافا، بوزقورمه داریم. در مورد نام هر چیزی باید اصالت نام آن حفظ شود تا زبان حفظ شود و ماندگار بماند. ما شیردوشی و لبنیات داشتیم.	۵. آداب و رسوم ۶. اسب‌سواری ۷. غذاهای محلی ۸. زبان ۹. شیردوشی و لبنیات
مصاحبه‌شونده ۹	صنایع دستی یکی از حوزه‌های اصلی ترویج فرهنگ ماست و من خودم ۸ نوع گره اختراع کردم که گره پارچه، پته، ترمه و غیره هست. ما نسبت به دین و مذهب همیشه انسان‌های متعهدی بودیم و من خودم حاضرم به خاطر خدا به افراد بی‌سرپرست، بد سرپرست و بی‌کار آموزش رایگان بدهم.	۱. صنایع دستی ۲. مذهب
مصاحبه‌شونده ۱۰	به بچه‌ای که تازه به دنیا می‌آید آویشن با روغن می‌دهیم که نفخ معده آن برطرف شود. برای گوش درد بچه پنبه داغ می‌گذاریم. زنی که تازه زایمان کرده است نباید غذاهای سرد مثل ماست و خیار و خربزه و غیره بخورد. مومناپی برای درد خوب است. شملیه پلو برای سردی معده خوب است. لالایی برای آرامش و خوابیدن بچه خواند می‌شود.	۱. طب سنتی ۲. دانش مربوط به طبع غذاها ۳. غذاهای سنتی ۴. لالایی
مصاحبه‌شونده ۱۱	قشقای‌ها از قدیم چون به غذای سالم و تازه اهمیت می‌دادند، از گوشت دامی که خودشان پرورش می‌دادند، استفاده می‌کردند و همچنین شکار پرند کوهی باعث می‌شد همیشه غذای سالم استفاده کنند. طی کوچی که می‌کردند در سردسیر و گرمسیر، گیاهان بومی را هم به نیت تهیه غذا و هم دارویی تهیه می‌کردند. باید نوآوری در موسیقی انجام شود کودکان ممکن است ساز و نقاره دوست نداشته باشند، می‌توان آداب و رسوم را در قالب موسیقی‌های نوین مثل رپ هم آورد که این کار هم تا حدی انجام شده است. لباس ترکی که در عروسی می‌پوشیم و رقص‌ها را داریم. زبان ترکی باید از کودکی آموزش داده شود، زبان فارسی را به واسطه رسانه و مدرسه یاد می‌گیرند. صنایع دستی مثل گلیم، قالی، گبه دو رو هم داریم.	۱. غذاهای سالم ۲. پرورش دام ۳. شکار ۴. کوچ ۵. دانش گیاهان بومی ۶. غذاهای سنتی ۷. طب سنتی ۸. موسیقی ۹. لباس ترکی ۱۰. رقص ۱۱. زبان ترکی ۱۲. صنایع دستی
مصاحبه‌شونده ۱۲	جامعه قشقای تمام خصوصیت‌های یک جامعه مستقل را دارد. مثل ادبیات، موسیقی، هنر و صنایع دستی و گره نامتقارن که در فارس معروف است مخصوص قشقای است.	۱. ادبیات ۲. موسیقی ۳. صنایع دستی

با توجه به کدهای استخراج شده حوزه‌های کلیدی دانش بومی ایل قشقای عبارتند از: کشاورزی و دامداری، غذاهای سنتی، پزشکی سنتی، صنایع دستی، زبان و ادبیات، موسیقی و رقص، مذهب، پوشاک سنتی، بازی‌ها و کوچ و مسکن.

۲. دسته‌بندی حوزه‌های دانش بومی ایل قشقایی

برای تدوین این دسته‌بندی، از رویکرد کیفی با روش تحلیل محتوای موضوعی استفاده شد. کدهای مشابه در زیرمجموعه‌ها گروه‌بندی و سپس در دسته‌های کلان ترکیب شدند تا ساختاری نظام‌مند برای تحلیل و فهم دانش بومی ایل قشقایی ایجاد شود. این طبقه‌بندی پایه‌ای برای طراحی مدل مدیریت دانش ارائه کرد. برای سازماندهی این دانش‌ها می‌توان آن‌ها را به شکل زیر دسته‌بندی کرد:

جدول ۲. دسته‌بندی حوزه‌های کلان دانشی قشقایی

ردیف	دسته کلان	زیر مجموعه‌ها
۱	معیشتی و اقتصادی	کشاورزی، دامداری، صنایع دستی، غذا
۲	اجتماعی و فرهنگی	زبان، ادبیات، موسیقی، رقص، آیین‌ها، بازی‌ها
۳	سلامتی و محیط زیستی	پزشکی سنتی، گیاهان دارویی، آشنایی با طبیعت
۴	هنری و نمادین	قالی‌بافی، لباس‌های سنتی، رنگ‌ها و نقش‌ها
۵	ساختاری و فضایی	دانش کوچ، سکونت‌گاه‌ها، معماری چادرها

به طور کلی در این پژوهش، حوزه‌های دانش بومی در سه سطح کلان، میانی و اجرایی سازمان‌دهی شده‌اند. در سطح کلان، پنج حوزه کلان دانشی (جدول ۲) چارچوب مفهومی مدل را شکل می‌دهند. این حوزه‌ها در سطح میانی به ۹ مؤلفه دانشی مدل مدیریت دانش بومی تفکیک شده و در نهایت، هر مؤلفه در سطح اجرایی به حوزه‌های دانشی عملیاتی منعکس شده در جدول (۴) تبدیل شده است.

۳. ارتباط بین حوزه‌های دانش بومی ایل قشقایی

دانش و مهارت‌های سنتی ایل قشقایی در حوزه‌های مختلفی مانند دامپروری، صنایع دستی، موسیقی، رقص و قصه‌ها به صورت یک نظام منسجم و به هم پیوسته شکل گرفته‌اند. دامپروری نه تنها منبع غذایی، بلکه پایه تولید صنایع دستی و نمادهای فرهنگی است. صنایع دستی بازتاب‌دهنده تاریخ، ارزش‌ها و اقتصاد ایل است، در حالی که موسیقی و رقص روایتگر احساسات، زندگی کوچ‌نشینی و فرهنگ شفاهی‌اند. قصه‌ها، اشعار و لایه‌ها نیز نقش مهمی در انتقال دانش و فرهنگ دارند. این حوزه‌ها به یکدیگر وابسته‌اند و با تعامل متقابل، یک نظام دانشی یکپارچه و پویا ایجاد کرده‌اند. شناخت و حفظ این دانش‌های بومی، علاوه بر اهمیت فرهنگی برای قشقایی‌ها، بخشی از هویت ملی ایران را نیز شکل می‌دهد.

۴. مؤلفه‌های مدیریت دانش بومی ایل قشقایی

مدیریت دانش بومی ایل قشقایی شامل مجموعه‌ای از مؤلفه‌هایی است که به حفظ، انتقال و بهره‌برداری از دانش سنتی این ایل کمک می‌کند. این مؤلفه‌ها را می‌توان در چندین بخش اصلی دسته‌بندی کرد:

۱) خلق دانش بومی: فرآیندی است که طی آن تجربیات زیسته، آزمون و خطا و تعامل با محیط زیست نسل‌های گذشته، منجر به تولید نوآوری‌ها و روش‌های عملی منحصربه‌فرد در زمینه‌های مختلف مانند کشاورزی، دامداری، صنایع دستی و مدیریت منابع طبیعی می‌شود؛ این دانش همزمان با سازگاری با شرایط زیست‌محیطی و فرهنگی توسعه یافته و به نسل‌های بعد منتقل می‌گردد.

۲) ذخیره و مستندسازی دانش بومی: فرآیند حفظ و ثبت دانش محلی از طریق قصه‌ها، روایت‌های شفاهی، موسیقی و لایه‌ها و همچنین الگوها و نمادهای صنایع دستی که علاوه بر انتقال تجربیات و ارزش‌های اجتماعی، انسجام فرهنگی و تاریخی ایل قشقایی را نیز تضمین می‌کند.

۳) انتقال و اشتراک‌گذاری دانش: فرآیند به اشتراک گذاشتن مهارت‌ها و دانش بومی از طریق آموزش غیررسمی در خانواده‌ها و اجتماعات، بهره‌گیری از مراسم و آیین‌ها برای انتقال ارزش‌ها و سنت‌ها و نقش فعال بزرگان و ریش‌سفیدان به عنوان حافظان زنده دانش و راهنمایان نسل‌های جوان.

۴) کاربرد و بهره‌برداری از دانش بومی: استفاده عملی از دانش بومی در مدیریت منابع طبیعی با روش‌های چرای گردشی و بهره‌برداری فصلی، به کارگیری آن در اقتصاد معیشتی از طریق دامداری، کشاورزی و صنایع دستی و بهره‌گیری از طب سنتی شامل شناخت گیاهان دارویی و روش‌های درمانی سنتی برای پاسخ به نیازهای روزمره و حفظ سلامت جامعه.

۵) حفظ و نوآوری در دانش بومی: دانش بومی ایل قشقایی از طریق ترکیب مهارت‌های سنتی با فناوری‌های نوین، مستندسازی در قالب کتاب و فیلم و حمایت از میراث فرهنگی حفظ و توسعه می‌یابد. این نظام پویا با انتقال شفاهی، آیین‌ها و فعالیت‌های معیشتی، زمینه نوآوری در صنایع دستی، کشاورزی و دامداری را فراهم کرده و با سیاست‌های حمایتی و آموزش نسل جوان، می‌تواند به پایداری و توسعه پایدار این دانش کمک کند.

۵. مدل مدیریت دانش بومی ایل قشقایی

مدل پیشنهادی مدیریت دانش بومی ایل قشقایی باید تمامی مراحل کلیدی چرخه مدیریت دانش شامل خلق، ذخیره‌سازی، انتقال و بهره‌برداری را پوشش دهد و نوآوری را به عنوان عنصری اساسی برای حفظ پویایی جامعه سنتی قشقایی در نظر گیرد. این مدل به صورت یک چرخه پویا و خودتقویت‌شونده طراحی شده است تا هم استمرار دانش بومی را تضمین کند و هم امکان توسعه و به کارگیری آن در زمینه‌های مختلف را فراهم آورد. این مدل چرخه‌ای دولایه شامل ۷ گام اصلی چپستی دانش، شناخت دانش، کسب دانش، سازماندهی دانش، خلق دانش، اشاعه دانش و ارزش‌آفرینی از دانش است. در لایه دوم به روش‌های به دست آوردن و تقویت آن‌ها اشاره شده است. در شکل زیر این مدل قابل مشاهده است:



شکل ۲. مدل مدیریت دانش بومی ایل قشقایی

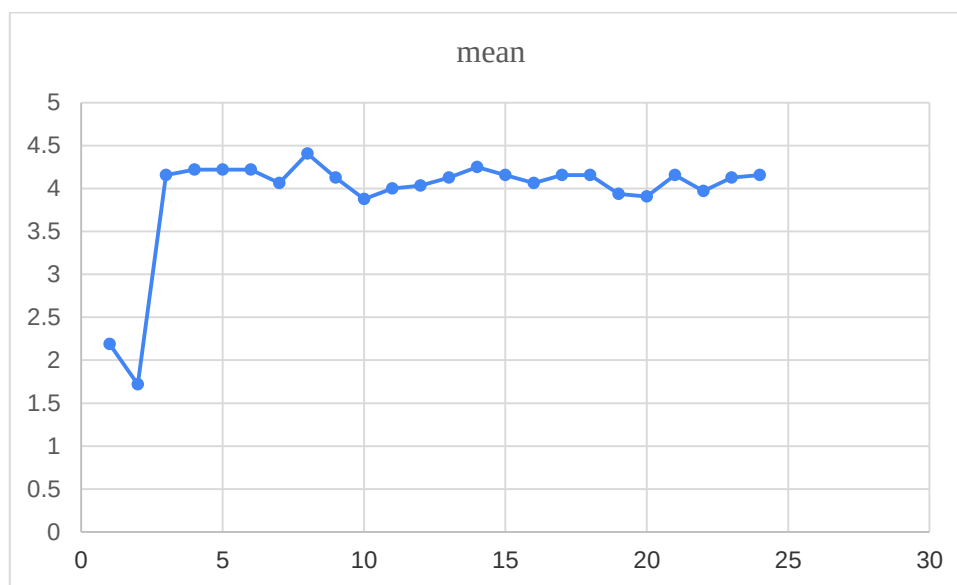
اعتبارسنجی مدل

اعتبارسنجی مدل با استفاده از پرسش‌نامه‌ای چندبخشی انجام شد که جنبه‌هایی مانند ارتباط و تناسب، دقت علمی، جامعیت، وضوح، انسجام و قابلیت اجرا را می‌سنجید. پرسش‌نامه در اختیار ۳۲ نفر از خبرگان قرار گرفت و داده‌ها با نرم‌افزار اسپس اس ۲۶ و آزمون تی تک‌نمونه‌ای با مقدار مفروض ۳ تحلیل شد. میانگین کلی پاسخ‌ها ۳/۹۳ و مقدار پی برابر ۰/۰۰۰۰۰۰۰۱۵ بود که نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار با مقدار مفروض و اعتبار بالای مدل است. تمامی گویه‌ها تفاوت معنی‌دار مثبت داشتند و پیشنهادات اصلاحی خبرگان در بازطراحی نهایی لحاظ شد. میانگین پاسخ‌ها برای پرسش‌های ۳ تا ۲۶ بیش از ۳/۵ بود و میانگین پرسش اول بالاتر از حد وسط طیف لیکرت سه‌تایی، در حالی که میانگین پرسش دوم کمتر از حد متوسط قرار داشت. در جدول زیر نتیجه آزمون تی تک نمونه‌ای آمده است:

جدول ۳. نتیجه آزمون تی تک نمونه‌ای

One-Sample Statistics				
	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
mean	32	3/932291666 666668	0/623676914 968987	0/110251543961019

نمودار زیر میانگین پاسخ‌ها را نشان می‌دهد:



نمودار ۱. میانگین پاسخ‌ها

راهکارهای کاربردی و عملی

یکی از مهمترین گام‌ها در پیاده‌سازی مدل مدیریت دانش بومی، به کارگیری راهکارهای عملی و مناسب برای هر حوزه دانشی است. بر اساس بررسی‌های میدانی و تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، مجموعه‌ای از راهکارهای متناسب با ویژگی‌های هر حوزه بومی شناسایی شد که می‌توانند در خلق، انتقال و بهره‌برداری از دانش مؤثر باشند. جدول زیر، تطبیق راهکارهای مدیریت دانش با حوزه‌های مختلف دانش بومی ایل قشقایی را نشان می‌دهد:

جدول ۴. حوزه‌های دانشی عملیاتی و راهکارهای مدیریت دانش

راهکارها	حوزه دانشی
کافه دانش، استاد و شاگردی	کشاورزی
جانشین‌پروری	دامداری
انجمن خبرگی	غذاهای سنتی
جانشین‌پروری، استاد و شاگردی	پزشکی سنتی
استاد و شاگردی، استخراج دانش	صنایع دستی
کافه دانش، استخراج دانش	زبان

ادبیات	داستان‌سرایی
موسیقی	استاد و شاگردی، یادگیری از همتایان
رقص	اشتراک ویدئو، کارآموزی، یادگیری از همتایان
مذهب	تدوین استراتژی دانش و مدیریت دانش
پوشاک	اشتراک ویدئو
بازی‌ها	داستان‌سرایی
کوچ و مسکن	ثبت درس آموخته

این راهکارها بر اساس تجارب بومی، عرف‌های رایج و شیوه زندگی عشایری پیشنهاد شده‌اند و می‌توانند راهنمایی کاربردی برای فعالان فرهنگی، پژوهشگران حوزه بومی و برنامه‌ریزان توسعه محلی باشند. ترکیب این راهکارها با مدل مفهومی طراحی شده، بستری مناسب برای پیاده‌سازی نظام‌مند مدیریت دانش بومی ایل قشقایی را فراهم می‌آورد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش با هدف طراحی مدل مدیریت دانش بومی ایل قشقایی انجام شد و بر پایه تحلیل‌های کیفی، ده حوزه اصلی دانش بومی شناسایی شد. مدل مفهومی پیشنهادی با دربرگیری هفت فرآیند کلیدی مدیریت دانش - از چپستی و شناخت تا خلق، اشاعه و ارزش‌آفرینی - توانست ساختاری جامع و سازگار با زمینه فرهنگی ایل ارائه دهد. این مدل، به واسطه تأکید بر دانش ضمنی، شیوه‌های انتقال شفاهی و ارزش‌آفرینی فرهنگی، فراتر از الگوهای سازمانی عمل می‌کند. یافته‌ها نشان داد که دانش بومی قشقایی نه تنها میراث فرهنگی ارزشمند، بلکه ظرفیت مهمی برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است. در نهایت، ترکیب این مدل با راهکارهای اجرایی و زیرساخت‌های پیشنهادی، می‌تواند مسیر استقرار نظام‌مند مدیریت دانش بومی و پایداری این میراث در آینده را فراهم کند.

پیشنهادهای برای تحقیقات آتی

۱. مطالعات میدانی در طوایف مختلف قشقایی برای تعمیق مدل.
۲. طراحی شاخص‌های ارزیابی برای سنجش میزان انتقال یا فرسایش دانش بومی.
۳. بررسی نقش فناوری‌های دیجیتال مانند اپلیکیشن‌ها و پلتفرم‌های چندرسانه‌ای در ذخیره و اشاعه دانش بومی.
۴. مطالعه تطبیقی با سایر اقوام عشایری ایران مانند بختیاری و شاسون.
۵. تحلیل نقش زنان در خلق و انتقال دانش بومی، به ویژه در حوزه‌هایی مانند غذا، صنایع دستی و درمان‌های سنتی (فائو، ۲۰۱۴).

سیاسگزاری

از جامعه پژوهش و بزرگان ایل قشقایی به خاطر حمایت و همکاری در اجرای پژوهش و از داوران محترم به خاطر نظرات ارزشمندشان تشکر و قدردانی می‌نمایم.

منابع

- بوزرجمهری، خدیجه؛ معصومی جشنی، مهدی؛ جهانتیغ، حسنعلی (۱۳۹۵). بررسی نقش دانش بومی و سنت‌های محلی زنان در تولید و مدیریت فرآورده‌های دامی (مطالعه موردی: روستای ابونصر، شهرستان بوانات). *دانش‌های بومی ایران*، ۳(۶)، ۸۹-۱۱۸.
- توفیق‌یان اصل، امیر (۱۴۰۰). بررسی دانش بومی بر پایداری زیست محیطی عشایر کوچگر ایل ممسنی. *مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان*، ۱(۱)، ۱۴۰-۱۵۶.
- حسن‌زاده، محمد (۱۳۹۹). استقرار اثربخش مدیریت دانش در سازمان‌های ایرانی: موانعی که باید برطرف شوند. *علوم و فنون مدیریت اطلاعات*، ۶(۴)، ۷-۱۴.
- زارعی، هاجر؛ سارلی، سردار؛ تودار، رسول (۱۴۰۴). شناسایی مؤلفه‌های رفتار اطلاع‌جویی مشارکتی پژوهشگران در خصوص دانش بومی (مطالعه موردی: منطقه ترکمن صحرا). *علوم و فنون مدیریت اطلاعات*، ۱۲(۳)، ۵۵-۷۳.
- سعیدی گراغانی، حمیدرضا؛ ارزانی، حسین؛ رزاقی بورخانی، فاطمه (۱۳۹۵). بوم‌شناسی فرهنگی، تحلیل دانش بومی زنان عشایر ایل سلیمانی در فرایند توسعه پایدار مراتع. *دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران*، ۳(۵)، ۱۷۳-۱۹۹.
- شریفی‌فر، فریبا؛ کوهپایه، عابد؛ متقی، محمد مهدی؛ امیرخسروی، آرزو؛ پورمحسنی‌نسب، الهام (۱۳۸۹). بررسی اتنوبوتانی گیاهان دارویی شهرستان سیرجان استان کرمان. *داروهای گیاهی*، پیش شماره ۲، ۱۹-۲۸.
- دهواری، بهزاد؛ رباحی‌نیا، نصرت؛ محمودی، حسن (۱۳۹۸). ارائه مدل پیشنهادی برای مدیریت دانش بومی در حوزه طب بومی در سواحل مکران. *تعامل انسان و اطلاعات*، ۶(۱)، ۸۹-۱۰۲.
- مجرد آشناباد، مهران؛ سنبلی، علی؛ محبی، فریدون (۱۴۰۳). اتنوبوتانی گیاهان خوراکی مورد استفاده جوامع محلی شهرستان خوی. *پژوهش‌های زیست‌قوم‌شناختی و حفاظت*، ۲(۱)، ۳۹-۴۹.

References

- Akullo, D., Kanzikwera, R., Birungi, P., Alum, W., Aliguma, L., & Barwozeza, M. (2007). Indigenous knowledge in agriculture: A case study of the challenges in sharing knowledge of past generations in a globalized context in Uganda. In *World Library and Information Congress: 73rd IFLA General Conference and Council* (pp. 19-23).
- Bouzarjomehri, K., Masoum Jashni, M., & Jahantigh, H. (2017). The Role of Knowledge Indigenous and Local Traditions of Women in The Production and Management of Livestock Products (Case Study: Abunahr Village, Bavanat City. *Indigenous Knowledge of Iran*, 3(6), 89-118. <https://doi.org/10.22054/qjik.2017.23061.1066>. (in Persian)
- Dehvari, B., Riahi-Nia, N., & Mahmoudi, H. (2019). A Proposed Model for Indigenous Knowledge Management in the Field of Indigenous Medicine along the Makran Coast. *Human and Information Interaction*, 6(1), 89-102. (in Persian)

- Dlamini, P. (2017). Applying the knowledge creation model to the management of indigenous knowledge research. *Inkanyiso: Journal of Humanities and Social Sciences*, 9(1), 75-86.
- FAO. (2014). *Gender and Indigenous Peoples*. Food and Agriculture Organization of the United Nations.
- Hassanzadeh, M. (2020). Establishing Effective Knowledge Management in Iranian Organizations: Barriers that Need to Be Overcome. *Sciences and Techniques of Information Management*, 6(4), 7-14. <https://doi.org/10.22091/stim.2020.1740>. (in Persian)
- Mojarrad Ashenaanbad, M., Sonboli, A., & Mohebbi, F. (2024). Ethnobotany of natural edible plants (Case study: Khoy city). *Ethnobiology and Biodiversity Conservation*, 2(1), 38-48. <https://doi.org/10.22091/ethc.2024.11561.1039>. (in Persian)
- Osei Jones, E. (2024) Indigenous knowledge management practices in subsistence farming: A comprehensive evaluation. *Sustainable Technology and Entrepreneurship*, 3(2). 10.1016/j.stae.2023.100058
- Riyahinia, N., & Mahmoudi, H. (2019). Identification of indigenous knowledge items and presenting the knowledge management model of indigenous medicine in Makran district. *Human Information Interaction*, 6(1). <http://hii.khu.ac.ir/article-1-2857-fa.html>. (in Persian)
- Saeedi, H., Arzani, H., & Razaghi, F. (2016). Cultural Ecology; Soleimani tribal women of indigenous knowledge in sustainable development rangelands. *Indigenous Knowledge of Iran*, 3(5), 173-199. <https://doi.org/10.22054/qjik.2017.17969.1045>. (in Persian)
- Sharififar, F., Koochpayeh, A., Motaghi, M., Amirkhosravi, A., Puormohseni Nasab, E., & Khodashenas, M. (2010). Study the ethnobotany of medicinal plants in Sirjan, Kerman Province, Iran. *Journal of Herbal Drugs*, 1(3), 19–28. SID. <https://sid.ir/paper/193771>. (in Persian)
- Siakwah, P., Ablo, A. D., Sheburah-Essien, R., Zaami, M., & Yaro, J. A. (2025). Adapting to climate change amidst innovation diffusion and declining indigenous agricultural knowledge and practices in Ghana. *African Journal of Science, Technology, Innovation and Development*, 17(2), 217-228. 10.1080/20421338.2025.2459355.
- Tofighian Asl, S. A. (2021). Study of indigenous knowledge on environmental sustainability of Mamasani nomadic tribes. *Nomadic Territory Planning Studies*, 1(1), 131-147. (in Persian)
- Yeo, A. W., Zaman, T., & Kulathuramaiyer, N. (2013). Indigenous Knowledge Management in the Kelabit Community in Eastern Malaysia. *International Journal of Sociotechnology and Knowledge Development*, 5(1), 23–36.
- Zarei, H., Sarli, S., & Toudar, S. R. (2025). Identifying the components of collaborative information-seeking behavior of researchers regarding indigenous knowledge (case study: Turkmen Sahara region). *Sciences and Techniques of Information Management*, 12(3), 55-73. <https://doi.org/10.22091/stim.2024.10425.2068>. (in Persian)